



## گره‌های مجیدیه

دکتر مجید بهره‌ور (میم. بیب. ترافیکیان) / طنزنویس و شاعر کودک و نوجوان / ونکور

به‌همان لاله‌زار عهدِ قدیم  
آن خیابانِ پُر جوانان  
سینمایی است توی این کوچه  
هالی‌وودی است در خیابان  
بالاخص دورِ سطلِ قصابی  
صحنه‌هایی است بس درخشان  
گره‌های گرسنه در این جشن  
چرب کرده سبیل و دست‌ان  
گره‌های زرنگ در رزمان  
آن بُروسلی و این جکی‌چانا  
زور از سقف می‌پرد روی  
شکمِ گارسیا، گروبانا...

استاد میهمان در دانشگاه مگیل  
(در حوزه ایران‌شناسی و ادبیات عرفانی)

صبح‌ها با وقار و خمیازه  
در هر خانه‌اند مهمان  
یکی به ارمنی: بارو، مرسی!  
یکی به فارسی: سلام، جانا!  
همه‌چی می‌خورند و می‌گردند  
خانه، کوچه، گلاب‌افشان  
شب همان آش و باز همان کاسه  
جنگ و جنجال تا خروسخوان  
در هیاهوی جفتگیری‌شان  
فیلم هندی، آمیتا پاچانا  
خواب بودم، پدربزرگ آمد  
بُردمان لاله‌زار تهرانا

ای خردمند عاقل و دانا  
قصهٔ جنگِ گره‌برخوانا  
گره‌های مجیدیه هر یک  
عین‌هو جدّ‌شان پلنگ‌انا  
کارشان از میو میو بگذشت  
غَرشی، نعره‌ای، بترکانا  
غَرشی مثل رستمِ دستان  
بینِ دیو سپید و اکوانا  
نعره‌ای مثل یک سامورایی  
ساعتِ خوابِ جمله انسانا  
شاید از آن هوای پُر دود است  
یا که از دستِ این کرونانا